گویند کسان بهشت با حور خوش است
من میگویم که آب انگور خوش است
این نقد بگیر ودست از آن نسیه بدار
کآواز دهل شنیدن از دور خوش است .
***
دوری که در آمدن ورفتن ماست
اورا نه نهایت نه بدایت پیداست
کس می نزند دمی دراین معنی راست
کاین آمدن ازکجا ورفتن زکجاست !
***
اسرار ازل را نه تو دانی ونه من
وین حرف معمّا نه تو دانی ونه من
هست از پس پرده گفتگوی من وتو
چون پرده بر افتد ، نه تو مانی ونه من .
***
یک چند به کودکی به استاد شدیم
یک چند ز استادی خود شاد شدیم
پایان سخن شنو که مارا چه رسید
چون آب برآمدیم وچون باد شدیم .
***
عمر خیّام